

نقش ارتباط در صحت توافق انتخاب دادگاه

محمد مجد کابری*

اعظم انصاری**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۰۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۲۲

چکیده

امروزه توجه به حاکمیت اراده اشخاص در حوزه حقوق بین الملل خصوصی هم در قوانین ملی برخی کشورها و هم معاهدات بین المللی مرتبط مشهود است. یکی از دستاوردهای چنین رویکردی، اعتبار و نفوذ توافق بر صلاحیت یا توافق نامه های انتخاب دادگاه در اغلب نظام های حقوقی دنیا است. گرچه در خصوص رعایت شرایط عمومی صحت قراردادها در انعقاد توافق صلاحیت تقریباً اختلافی مشاهده نمی شود، یکی از ابهامات مهم در خصوص این توافق این است که آیا برای صحت چنین توافقی باید میان دادگاه منتخب طرفین و دعوی که دادگاه منتخب می خواهد به آن رسیدگی نماید، ارتباط وجود داشته باشد یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا شرط ارتباط جزء شرایط صحت چنین توافقی محسوب می شود؟ مقاله حاضر با روش توصیفی، تحلیلی و با رویکرد تطبیقی و با بررسی مقررات ملی و بین المللی در این حوزه و بررسی مقررات ایران نشان می دهد که رویکرد کلی در جهان، عدم لزوم شرط ارتباط بوده و قانون گذار ایران نیز به طور غیرمستقیم از همین رویکرد پیروی نموده است.

کلید واژگان:

ارتباط، توافق صلاحیت، حاکمیت اراده، دادگاه منتخب، دادگاه صالح.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه فردوسی مشهد

Kabry.mohammedmjed@mail.um.ac.ir

** استادیار دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

aansari@um.ac.ir

مقدمه

امروزه حاکمیت اراده اشخاص در تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها امری مرسوم است و بسیاری از نظام‌های حقوقی دنیا، همانند تونس، ترکیه، سوئیس، ایتالیا و اتحادیه اروپا بر این مسئله تأکید دارند و توافق اطراف برای سلب صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ملی را ممکن می‌دانند. کنوانسیون لاهه راجع به توافق‌های انتخاب دادگاه ۲۰۰۵^۱ نیز مسئله توافق بر انتخاب دادگاه را به تفصیل مدنظر قرار داده است. افزون بر این، مقررات صادره از مجامع علمی همانند اصول آیین دادرسی مدنی فراملی مصوب ۲۰۰۴^۲ نیز به این مسئله توجه داشته و اصل دوم اصول مزبور، حاکمیت اراده اشخاص در تعیین دادگاه صالح را به رسمیت شناخته است. در حقوق ایران، قواعد خاصی در زمینه تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها وجود ندارد؛ لذا پاسخ صریحی در مورد امکان سلب صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران به نفع دادگاه یک کشور خارجی در مقررات ایران مشاهده نمی‌شود. با این حال، نگاهی به رویه قضایی ایران ما را به این نتیجه می‌رساند که حاکمیت اراده اشخاص در تعیین دادگاه صالح به عنوان یک اصل حقوقی به رسمیت شناخته شده و در نتیجه رویه قضایی ایران توافق اطراف برای سلب صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران به نفع دادگاه کشور دیگری را پذیرفته است. برای مثال، می‌توان به رأی صادره از شعبه ۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران در دادنامه شماره ۹۱۰۱۰۹۱ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۰^۳، رأی صادره از شعبه ۲۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران در دادنامه شماره ۹۱۰۱۱۸۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۸^۴ و رأی صادره از شعبه ۱۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران در دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۷۲۰۰۷۶۵ مورخ ۱۳۹۴/۹/۲^۵ اشاره نمود. بنابراین در حقوق ایران گرچه درباره امکان سلب صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران به نفع دادگاه خارجی مقرر صریحی

1. Convention of on Choice of Court Agreements, 2005.

2. ALI/UNIDROIT Principles of Transnational Civil Procedure, 2004.

۳. برای مطالعه متن این رأی ر ک: پیری، فرهاد، *حقوق تجارت بین‌المللی در رویه قضایی ایران*، تهران: انتشارات جاودانه، جنگل، ۱۳۹۵، پاورقی ص ۴۶.

۴. برای مطالعه متن این رأی ر ک: ۱. مقصودی، رضا، *توافق بر دادگاه صالح در قراردادهای بین‌المللی*؛

توجیه و نقد رویه قضایی، فصلنامه رأی: مطالعات آرای قضایی، تابستان ۹۴، شماره ۱۱، ص ۶۱

۵. برای مطالعه متن این رأی ر ک: پیری، فرهاد، پیشین، صص ۳۸ و ۴۹.

وجود ندارد، اما با توجه به اینکه حاکمیت اراده به عنوان یک اصل حقوقی به رسمیت شناخته شده است، رویه قضایی ایران سلب صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران به نفع دادگاه‌های سایر کشورها را امکان‌پذیر می‌داند. در رأی صادره از شعبه ۱۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران در دادنامه شماره ۰۷۶۵-۲۲۷۲-۹۴۰۹۹۷۰ مورخ ۱۳۹۴/۹/۲ دادگاه در بررسی شرایط پذیرش توافق بر سلب صلاحیت دادگاه‌های ایران به نفع دادگاه کشور دیگری از تحقق دو شرط بین‌المللی بودن دعوی موضوع توافق صلاحیت و انحصاری نبودن صلاحیت دادگاه‌های ایران برای رسیدگی به دعوی اطمینان یافت و بررسی نمود که آیا دادگاه منتخب، ارتباطی با دعوی موضوع توافق انتخاب دادگاه دارد یا خیر. نوشتار حاضر به بررسی رویکرد رویه قضایی ایران در عدم توجه به «شرط ارتباط» به عنوان یکی از شرایط صحت توافق صلاحیت می‌پردازد و درصدد پاسخ به این سؤال است که آیا رویه مذکور قابل تأیید است یا خیر. به عبارت دیگر، آیا سلب صلاحیت دادگاه‌های ایران به نفع دادگاه کشور خارجی منوط به تحقق ارتباط میان دعوا و کشور مقر دادگاه منتخب است یا خیر؟

در راستای پاسخ به این سؤال مهم، نوشتار حاضر در ابتدا به بررسی قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها در حقوق ایران می‌پردازد تا در صورت وجود چنین قواعدی، پاسخ سؤال اصلی خود را بیابد. در بخش دوم مقاله، مفهوم شرط ارتباط و دیدگاه‌های صاحب‌نظران حقوق بین‌الملل خصوصی پیرامون لزوم یا عدم لزوم شرط مزبور در توافق صلاحیت ارائه می‌گردد که در همین بخش سه دیدگاه متفاوت و انتقادات وارد بر آنها تشریح می‌گردد. از آنجا که در تحلیل رویکرد نظام حقوقی ایران پیرامون شرط ارتباط، بررسی هماهنگی آن با تحولات بین‌المللی نیز قابل توجه است، در بخش سوم مقاله، رویکرد برخی نظام‌های حقوقی دنیا در خصوص شرط ارتباط بررسی می‌گردد. در مطالعه این موضوع توجه به قواعد کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ به عنوان یک معاهده بین‌المللی که به موضوع توافق صلاحیت می‌پردازد، نیز از اهمیت فراوانی برخوردار است که بخش چهارم به این موضوع اختصاص دارد. پس از نشان دادن رویکرد جهانی به مسئله تأثیر شرط ارتباط در صحت توافق صلاحیت، مقاله به تحلیل رویکرد نظام حقوقی ایران می‌پردازد و در پایان نتیجه بررسی‌های انجام‌شده در مقاله ارائه می‌گردد.

۱. قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها در حقوق ایران

همان‌طور که سابقاً بیان شد، در حقوق ایران در قانون آیین دادرسی مدنی قواعدی برای تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها پیش‌بینی نشده است؛ تنها ماده‌ای که در حقوق ایران در زمینه صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها مشاهده می‌شود، ماده ۹۷۱ قانون مدنی است. ماده مزبور مقرر می‌دارد: «دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجع به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه می‌شود. مطرح بودن همان دعوا در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود». طبق این ماده، دادگاه ایرانی در هنگام احراز صلاحیت خود برای رسیدگی به دعاوی بین‌المللی، فقط به قانون ایران توجه داشته، آن را ملاک تصمیم‌گیری می‌داند. افزون بر این، طبق ذیل ماده مزبور، طرح ایراد امر مطروحه در دعاوی بین‌المللی امکان‌پذیر نیست. بنابراین می‌توان گفت ماده ۹۷۱ قانون مدنی متضمن قواعدی برای تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران برای رسیدگی به دعاوی خصوصی بین‌المللی نیست؛ لذا چاره‌ای جز توسل به قواعد صلاحیت داخلی برای احراز صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران وجود ندارد.

در قانون آیین دادرسی مدنی ایران، صلاحیت دادگاه ایرانی به دو نوع صلاحیت ذاتی و نسبی تقسیم می‌شود: صلاحیت ذاتی مربوط به صنف، نوع و درجه دادگاه صالح برای رسیدگی به دعوا می‌باشد؛^۱ درحالی‌که منظور از صلاحیت نسبی یا محلی این است که بعد از تعیین صلاحیت ذاتی، با توسل به قواعد صلاحیت محلی باید دادگاهی از میان دادگاه‌های سراسر کشور که از حیث صنف، نوع و درجه مساوی اند، به عنوان دادگاه صالح به رسیدگی تعیین گردد.^۲ در نظام حقوقی ایران، مشابه سایر نظام‌های حقوقی دنیا برای تعیین صلاحیت محلی یا نسبی دادگاه‌ها از عوامل

۱. شاه حیدری‌پور، محمدعلی، *آیین دادرسی مدنی - صلاحیت دادگاه‌ها - مطالعه حقوق ایران و تطبیق با حقوق انگلستان*، تهران: انتشارات آداک، ۱۳۹۱، ص ۹۱؛ شمس، عبدالله، *آیین دادرسی مدنی - دوره بنیادین*، جلد ۱، تهران: انتشارات دراک، ۱۳۹۶، ص ۱۵۵.
 ۲. شاه حیدری‌پور، محمدعلی، پیشین، ص ۱۰۱؛ شمس، عبدالله، پیشین، ص ۱۶۱.

ارتباطی مانند محل اجرای عقد، محل وقوع مال، اقامتگاه خواننده و غیره استفاده می‌شود؛ بنابراین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها از نوع صلاحیت نسبی یا محلی است.^۱

در تعیین دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی بین‌الملل خصوصی، دغدغه نخست وجود عامل یا عوامل ارتباطی در دعواست که آن را به کشوری که دعوا در آنجا مطرح گردیده است، ارتباط دهد.^۲ در نتیجه با اقامه دعوی در دادگاه‌های ایران، در صورتی که هر یک از عوامل ارتباط پیش‌بینی شده در قواعد صلاحیت نسبی یا محلی مانند اقامتگاه یا محل سکونت یا محل انعقاد یا اجرای قرارداد و یا محل وقوع اموال احراز شود، دادگاه‌ها خود را صالح به رسیدگی اعلام می‌نمایند و چنانچه عامل ارتباط مؤثری میان دعوا و ایران یافت نشود، دادگاه ایرانی باید اعلام عدم صلاحیت نماید؛ بی‌آنکه لازم باشد تعیین کند دعوا در صلاحیت دادگاه‌های کدام کشور است.^۳

آنچه در خصوص ارتباط در زمینه صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها در حقوق ایران بیان شد، در حقوق کشورهای دیگری که قواعدی برای تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های خود وضع نکرده‌اند، نیز مرسوم است و در این کشورها چنانچه عامل ارتباطی میان دعوا و کشور مزبور یافت گردد، دادگاه‌های آن کشور خود را صالح به رسیدگی به دعوا می‌دانند. حتی در کشورهایی که قواعدی برای احراز صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های خود وضع کرده‌اند، این قواعد بر عوامل ارتباطی مبتنی است و در این کشورها نیز قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها بر ضوابطی همچون اقامتگاه، محل سکونت، محل انعقاد و اجرای قرارداد و محل وقوع مال مبتنی است. لذا می‌توان اذعان داشت که در تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها احراز ارتباط میان دعوا و کشور مقرر دادگاه امری ضروری است و بدون تحقق این ارتباط دادگاه‌ها نمی‌توانند صلاحیت خود را برای رسیدگی به یک دعوی خصوصی بین‌المللی اعلام نمایند. حال که بیان شد وجود ارتباط امری ضروری است و قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها بر تحقق ارتباط مبتنی است، این سؤال

۱. شیخ‌الاسلامی، سیدمحسن، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۴، ص ۱۱۳.

۲. مافی، همایون و رشید ادبی فیروزجایی، *صلاحیت دادگاه‌های ایران در قلمرو حقوق بین‌الملل خصوصی*، دانش حقوق مدنی، پاییز و زمستان ۹۳، سال سوم، شماره ۲، ص ۵۸.

۳. سلجوقی، محمود، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، جلد ۲، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۶، ص ۴۹۲.

مهم مطرح می‌شود که چنانچه اشخاص در یک دعوای خصوصی بین‌المللی توافق نمایند که در یک دادگاه غیرمرتبط با دعوای مزبور، اختلاف خود را حل و فصل نمایند، آیا چنین توافقی صحیح و معتبر است؟ به عبارت دیگر، آیا حاکمیت اراده اشخاص در تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها به‌خودی خود یک ضابطه مستقل همانند اقامتگاه، محل انعقاد و اجرای قرارداد و محل وقوع مال تلقی می‌شود و بنابراین نیازی به وجود ارتباط میان دعوای کشور مقرر دادگاه منتخب نیست؟ آیا همان‌گونه که طرفین یک موافقت‌نامه داوری می‌توانند دیوان داوری در کشور خارجی و غیرمرتبط با دعوای موضوع موافقت‌نامه داوری را برای حل و فصل اختلاف خود انتخاب نمایند، آنها می‌توانند با توافق با یکدیگر، دادگاه یک کشور را به عنوان مرجع رسیدگی به اختلاف خود انتخاب نمایند؛ درحالی که ارتباطی میان دعوای کشور دادگاه منتخب وجود ندارد؟

شاید بتوان گفت در مورد برخی شرایط صحت چنین توافقی، میان نظام‌های حقوقی دنیا اتفاق نظر وجود دارد؛ مثلاً توافق صلاحیت یا توافق انتخاب دادگاه نوعی قرارداد تلقی می‌شود و همانند سایر قراردادها باید شرایط اساسی لازم برای صحت معاملات را از حیث قصد و رضای اطراف، اهلیت آنها، مشروع و معین بودن موضوع و مشروعیت جهت عقد دارا باشد. همچنین، از آنجا که توافق صلاحیت در قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های یک کشور مداخله می‌نماید، علاوه بر شرایط عمومی صحت قراردادها، برای صحت چنین توافقی وجود شرایط اختصاصی نیز ضروری است: یکی اینکه دعوای مزبور باید وصف بین‌المللی داشته باشد و دیگر اینکه دادگاهی که از آن سلب صلاحیت شده است، نباید صلاحیت انحصاری در رسیدگی به دعوای مزبور داشته باشد. به‌نظر می‌رسد در مورد لزوم یا عدم لزوم شرط ارتباط میان دعوای دادگاه منتخب تردید جدی وجود دارد و این سؤال مطرح است که آیا علاوه بر شروط فوق‌الذکر، صحت توافق بر صلاحیت دادگاه خارجی نیازمند این است که میان دعوای دادگاه منتخب ارتباطی وجود داشته باشد؟

حقوق‌دانان در پاسخ به این سؤال مهم دیدگاه‌های متفاوتی ارائه کرده‌اند؛ به‌نظر می‌رسد برای پاسخ به این سؤال لازم است که مفهوم شرط ارتباط میان دعوای دادگاه منتخب تبیین گردد و سپس دیدگاه‌های مختلف در خصوص لزوم یا عدم لزوم احراز ارتباط میان دعوای دادگاه منتخب به عنوان شرط لازم برای صحت توافق صلاحیت مورد بررسی قرار گیرد.

۲. مفهوم شرط ارتباط و دیدگاه‌های پیرامون شرط ارتباط میان دعوا و دادگاه منتخب

برخی حقوق‌دانان^۱ در مقام تبیین مفهوم ارتباط میان دعوا و دادگاه منتخب بیان نمودند که منظور از وجود ارتباط میان دعوا و دادگاه منتخب این است که یکی از عناصر دعوا یا اطراف آن با کشور دادگاه منتخب ارتباط داشته باشد؛ مثلاً تابعیت یکی از اطراف دعوا، اقامتگاه وی یا محل اجرای قرارداد در کشور دادگاه منتخب باشد.

در اصول آیین دادرسی مدنی فراملی که توسط مؤسسه حقوق آمریکا و مؤسسه یکسان‌سازی حقوق خصوصی رم در سال ۲۰۰۴ تهیه شده، مفهوم ارتباط اساسی به‌طور مفصل مطرح گردیده است. طبق اصل دوم از اصول مزبور تحت عنوان صلاحیت دادگاه نسبت به طرفین مقرر شده است: «... ۱-۲-۳...» ارتباط اساسی هنگامی وجود دارد که بخش عمده‌ای از معامله یا علل دعوا در کشور مقر دادگاه محقق شده باشد و یا اگر خوانده، شخص حقیقی است، اقامتگاه او در کشور مقر دادگاه باشد و اگر شخص حقوقی است، مرکز اصلی فعالیت‌ها یا محل ثبت او در کشور مقر دادگاه باشد. همچنین اگر اموالی که موضوع دعوا هستند در کشور مقر دادگاه واقع شده باشند، این ارتباط وجود دارد.^۲ از این عبارات می‌توان فهمید که ارتباط میان دعوا و دادگاه یک کشور یا از عناصر شخصی همانند تابعیت و یا از عناصر مادی و موضوعی همانند محل انعقاد، اجرای قرارداد و یا محل وقوع مال احراز می‌گردد.

در مورد لزوم وجود ارتباط میان دعوا یا اطراف آن با دادگاه منتخب، اختلاف‌نظر وجود دارد. برخی حقوق‌دانان شرط وجود ارتباط میان دعوا و دادگاه منتخب را لازم می‌دانند. برخی دیگر معتقدند که به جای شرط ارتباط، شرط مصلحت مشروع اطراف از انتخاب دادگاه لازم است. دسته سوم نیز هیچ‌یک از دو شرط ارتباط و شرط مصلحت مشروع اطراف از انتخاب دادگاه را لازم نمی‌دانند. در ادامه، این سه دیدگاه و رویکرد کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ راجع به توافقی‌های انتخاب دادگاه در این خصوص تشریح می‌گردد.

۱. حداد، حفیظه، *النظریه العامه فی القانون القضائی الخاص الدولی*، بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیه، ۲۰۱۰، ص ۱۴۸.

۲. ترجمه این اصل به نقل از: غمامی، مجید و حسن محسنی، *اصول آیین دادرسی مدنی فراملی*، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶، ص ۵۰.

۲.۱. دیدگاه لزوم تحقق شرط ارتباط میان دعوا و دادگاه منتخب

برخی حقوق دانان^۱ بر این باورند که باید میان دعوای موضوع توافق صلاحیت و دادگاه منتخب برای رسیدگی به آن، ارتباط اساسی یا جدی وجود داشته باشد. لذا عده‌ای^۲ معتقدند، چنانچه دادگاه منتخب به این نتیجه برسد که دعوای موضوع توافق صلاحیت هیچ ربطی با کشور او ندارد، باید توافق صلاحیت را نادیده گیرد و عدم صلاحیت خود را اعلام نماید. در بیان علت چنین دیدگاهی نیز گفته شده است که چنانچه ارتباطی وجود نداشته باشد، زمینه‌ای برای تقلب نسبت به قواعد صلاحیت فراهم می‌شود. همچنین وجود ارتباط، ضامن اجرای حکم صادره در خارج از محدوده دادگاه صادرکننده حکم است؛ زیرا اصولاً چنانچه ارتباطی میان دعوا و دادگاه صادرکننده حکم نباشد، حکم صادره در سایر کشورها ارزش ندارد و اجرا نخواهد شد؛ چراکه از دادگاه فاقد صلاحیت صادر شده است.^۳

۲.۲. دیدگاه عدم لزوم تحقق شرط ارتباط و لزوم شرط مصلحت مشروع اطراف در انتخاب دادگاه

برخی حقوق دانان^۴ معتقدند که برای صحت توافق انتخاب دادگاه، کافی است که اطراف برای توافق بر اعطای صلاحیت به دادگاه معینی، مصلحت مشروعی داشته باشند. این عده شرط ارتباط را لازم نمی‌دانند؛ به این دلیل که معیار دقیقی برای تعیین مفهوم ارتباط اساسی یا جدی وجود ندارد. همچنین از آنجا که در داور، وجود ارتباط میان دعوا و هیئت داور با کشور مقرر داور شرط نشده است، این شرط را نیز برای صحت توافق صلاحیت لازم ندانسته‌اند و بر این باورند که احترام به اراده اشخاص اقتضا می‌کند که بتوانند دادگاهی انتخاب کنند که از نظر آنها

۱. صادق، هشام، *مدی حق القضاء المصری فی التخلی عن اختصاصه فی المنازعات المدنیة و التجاریة*، ۲۰۱۴، ص ۴۲، قابل دسترسی در: <http://cutt.us/uYLIIm>، تاریخ آخرین بازدید: ۱۸ اردیبهشت ۹۸.
 ۲. عبدالعال، عکاشة، *الاجراءات المدنیة و التجاریة الدولیة فی دولة الامارات العربیة المتحدة*، بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیة، ۲۰۰۰، ص ۶۴.
 ۳. همان، صص ۶۴-۶۵.
 ۴. حداد، حفیظة، پیشین، ص ۱۵۱؛ عبدالعال، عکاشة، پیشین، ص ۶۶؛ منزلاوی، صالح جاد، *الاختصاص القضائی بالمنازعات الخاصة الدولیة و الاعتراف و التنفيذ الدولی للاحكام الاجنبیة*، القاهرة: منشورات دارالجامعة الجدید، ۲۰۰۸، ص ۱۶۲.

صلاحیت بیشتری برای رسیدگی به دعوی آنها دارد. طرفداران این دیدگاه معتقدند که شرط مصلحت مشروع اطراف در انتخاب دادگاه، به دنبال ارائه معیاری برای ایجاد ارتباط میان دعوا و دادگاه منتخب نیست، بلکه به دنبال این است که آیا اطراف توافق از انتخاب دادگاه مورد توافق، مصلحت مشروعی دارند یا خیر؟ به این ترتیب، مشروع بودن مصلحت، تنها قید صحت توافق صلاحیت محسوب می‌شود، لذا چنانچه ثابت شود که هدف از اعطای صلاحیت به دادگاه کشور معینی، تقلب نسبت به صلاحیت^۱ است، در این صورت توافق صلاحیت، باطل خواهد بود.^۲ طرفداران این دیدگاه تأکید می‌کنند که عدم تحقق ارتباط میان دعوا و دادگاه منتخب، زمینه‌ای برای تقلب فراهم نمی‌سازد؛ زیرا چنانچه تقلبی وجود داشته باشد، مصلحت مشروع، منتفی می‌شود.^۳ این دیدگاه مورد انتقاد طرفداران دیدگاه لزوم ارتباط قرار گرفته است. آنها معتقدند: «اعمال نظریه مصلحت مشروع می‌تواند منجر به سلب صلاحیت دادگاه ملی در بسیاری از موارد شود؛ زیرا معیار معینی در تعیین مصلحت مشروع وجود ندارد و با اعمال این دیدگاه، اثبات تقلب اطراف توافق صلاحیت دشوار می‌شود».^۴

۲.۳. دیدگاه عدم لزوم شرط ارتباط و شرط مصلحت مشروع

طرفداران دیدگاه سوم، هیچ‌کدام از دو شرط ارتباط و مصلحت مشروع را برای صحت توافق صلاحیت لازم نمی‌دانند و انتقاداتی بر دو دیدگاه پیشین وارد می‌نمایند. در ادامه برای تبیین بهتر این دیدگاه انتقادات این صاحب‌نظران بر دیدگاه‌های پیشین به‌طور مجزا مطرح می‌گردد.

۲.۳.۱. نقد دیدگاه لزوم شرط ارتباط میان دعوا و دادگاه منتخب

طرفداران دیدگاه سوم معتقدند که شرط ارتباط جدی میان دعوا و دادگاه منتخب، برای صحت توافق صلاحیت ضروری نیست.^۵ با این توضیح که چنانچه ارتباط اساسی میان دعوا و

1. Fraud of Competence

۲. حداد، حفیظه، پیشین، صص ۱۵۱-۱۵۲؛ منزلاوی، صالح جاد، پیشین، صص ۱۶۳.
۳. عبدالعال، عکاشه، پیشین، صص ۶۶.
۴. سلامه، احمد عبدالکریم، *فقه المرافعات المدنیة الدولیة*، القاهرة: منشورات دارالنهضة العربیة، ۲۰۰۰، صص ۱۴۹؛ صادق، همان، صص ۴۵.
۵. الروبی، محمد، *دور الارادة فی تحديد الاختصاص القضائي الدولي*، القاهرة: منشورات دارالنهضة العربیة، ۲۰۰۸، صص ۱۵۵-۱۵۶؛ محمد خلیل، خالد عبدالفتاح، *تعاضم دور الارادة فی القانون الدولي الخاص*، القاهرة: منشورات دارالنهضة العربیة، ۲۰۱۴، صص ۱۹۴. ←

دادگاه منتخب، شرط باشد، این امر فی نفسه با احترام به حاکمیت اراده اشخاص در تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها در تعارض است. حتی برخی صاحب‌نظران^۱ مدعی‌اند که انتخاب دادگاه صالح در کشوری که بی‌طرف بوده و مرتبط با اختلاف و اطراف آن نباشد، به یک رویه معمول تبدیل شده است.

همچنین باید توجه داشت، در موردی که ارتباط جدی یا اساسی بین دعوا و دادگاه منتخب وجود دارد، در این صورت، بدون نیاز به توافق صلاحیت، دادگاهی که دعوا با آن ارتباط دارد، به صرف وجود ارتباط جدی صلاحیت‌دار خواهد بود. با این توضیح که ارتباط اساسی از عناصری مانند تابعیت، اقامتگاه و محل اجرای قرارداد استنباط می‌شود و چنانچه یکی از آنها محقق شود، دادگاه، صرف‌نظر از وجود توافق صلاحیت یا عدم آن، واجد صلاحیت برای رسیدگی به دعوا خواهد بود. از این‌رو، طرف‌داران دیدگاه سوم بر این باورند که طرف‌داران لزوم شرط ارتباط میان دعوا و دادگاه منتخب، حاکمیت اراده اشخاص را به عنوان ضابطه مستقلی برای تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها نمی‌پذیرند و به نظر می‌رسد که از منظر آنها اراده اشخاص در انتخاب دادگاه باید توسط عناصر دیگری مانند تابعیت، اقامتگاه و محل انعقاد قرارداد تأیید گردد. چنین نتیجه‌ای با تحولات امروز حقوق بین‌الملل خصوصی و مقتضیات همکاری‌های قضایی بین‌المللی در تضاد است. در گذشته، حقوق‌دانان در مسئله تعارض قوانین، وجود ارتباط میان قرارداد و قانون منتخب حاکم بر آن را شرط می‌دانستند و این امر باعث شد که طرف‌داران شرط ارتباط اساسی، این شرط را در مورد انتخاب دادگاه صالح نیز لازم بدانند. در هر حال، مدت مدیدی است که حقوق‌دانان و رویه قضایی اغلب کشورها و مقررات مجامع علمی، شرط ارتباط میان قرارداد و قانون حاکم بر آن را لازم نمی‌دانند و صرفاً در موردی ارتباط میان قرارداد و قانون حاکم بر آن را ضروری می‌شمارند که اطراف قرارداد صراحتاً قانون حاکم بر آن را تعیین نکرده‌اند و قاضی یا داور، موظف به تعیین قانون حاکم است.^۲

←Tang, Z. *Jurisdiction and Arbitration Agreements in International Commercial Law*, first ed. New York: Routledge, 2014, p.57.

1. Tang, Ibid, p.57 .

۲. الروبی، محمد، پیشین، صص ۱۵۷-۱۵۵.

طرفداران لزوم شرط ارتباط اساسی میان دعوا و دادگاه منتخب معتقدند اگر ارتباطی میان دعوا و دادگاه منتخب نباشد، این امر منجر به تقلب اطراف نسبت به صلاحیت یا نسبت به قانون یا نسبت به هر دو می‌شود و راه برای سوءاستفاده اشخاص هموار می‌شود. این توجیه نیز چندان قابل توجه نیست. اغلب نظام‌های حقوقی به مسئله صلاحیت انحصاری دادگاه‌های خود توجه دارند^۱ و لذا چنانچه دعوی موضوع توافق صلاحیت راجع به صلاحیت انحصاری دادگاه‌هایشان باشد، چنین توافقی را معتبر نمی‌دانند. به عبارت دیگر، در چنین مواردی شرط مشروع و مقدر بودن مورد معامله (به عنوان یکی از شرایط صحت قراردادها) مفقود است و توافق به این دلیل باطل محسوب می‌شود. همچنین، اگر معلوم گردد هدف اطراف از توافق صلاحیت این است که دادگاه دیگری به دعوا رسیدگی کند و در نتیجه قانون دیگری بر دعوا حاکم شود، در این صورت نیز شرط مشروع بودن جهت معامله مفقود است؛^۲ در هر دو صورت، توافق صلاحیت باطل است و دیگر نیازی به لزوم تحقق شرط ارتباط نیست.^۳

طرفداران دیدگاه سوم فقط به یکی از دلایل طرفداران لزوم شرط ارتباط پاسخ داده‌اند و آن این است که چنانچه ارتباطی وجود نداشته باشد، زمینه‌ای برای تقلب نسبت به قواعد صلاحیت فراهم می‌شود و به دلیل دوم طرفداران لزوم ارتباط اساسی پاسخ نداده‌اند. دلیل دوم طرفداران شرط ارتباط این است که وجود ارتباط ضامن اجرای حکم صادره در خارج از حوزه قضایی دادگاه صادرکننده حکم است و اصولاً چنانچه ارتباطی میان دعوا و دادگاه صادرکننده حکم نباشد، حکم صادره در سایر کشورها اجرا نخواهد شد و در نتیجه حکمی بی‌ارزش محسوب می‌شود؛ چراکه از دادگاه فاقد صلاحیت صادر شده است. بنابراین، چنانچه بین دعوا و دادگاه منتخب ارتباطی نباشد، دادگاه منتخب نباید اعلام صلاحیت کند و همچنین دادگاهی که از آن سلب صلاحیت شده، نباید توافق صلاحیت را به نفع دادگاه غیرمرتبط با دعوی موضوع توافق صلاحیت بپذیرد.

به نظر می‌رسد که برای نقد دلیل مذکور باید بین دو فرض تفکیک گردد:

1. Tang, op.cit, p.57.

۲. برای مطالعه درباره شرط مشروع و مقدر بودن مورد معامله در توافق صلاحیت ر ک: کابری، محمدمجد و اعظم انصاری، **شرایط اساسی توافق صلاحیت در حقوق بین الملل خصوصی**. مجله مطالعات حقوقی، دوره ۱۱، ۱۳۹۸، شماره ۲، صص ۲۵۰-۲۳۶.

۳. الروبی، محمد، پیشین، ص ۱۵۷.

فرض اول این است که دعوای موضوع توافق صلاحیت در دادگاه منتخب و بی‌ارتباط مطرح شود. در این فرض، طرف‌داران دیدگاه لزوم شرط ارتباط معتقدند که چون دعوا هیچ ربطی با کشور دادگاه منتخب ندارد، حکم صادره هیچ ارزشی نخواهد داشت؛ بنابراین، دادگاه مزبور نباید به دعوای موضوع توافق صلاحیت رسیدگی کند. در پاسخ باید گفت که این دلیل وقتی قابل قبول است که اطراف بخواهند حکم صادره از دادگاه منتخب و بی‌ارتباط را در کشور دادگاه مزبور اجرا کنند، از آنجا که موضوع حکم در کشور مزبور قابلیت اجرا ندارد، مثلاً مال موضوع حکم در آن کشور واقع نشده است، لذا حکم مزبور به نوعی بی‌ارزش محسوب می‌شود؛ اما نباید همواره فرض شود که اطراف می‌خواهند حکم صادره را در کشور دادگاه منتخب و غیرمرتبط اجرا کنند. مثلاً چنانچه اطراف توافق، حکمی از دادگاه منتخب داشته باشند و بخواهند آن را در کشور دیگری مانند کشوری که مال موضوع اختلاف در آن کشور واقع است، اجرا نمایند، مانعی برای اجرای حکم وجود ندارد. چنانچه دادگاه کشور محل اجرای حکم تشخیص دهد که رأی مورد درخواست (رأیی که از دادگاه منتخب و غیرمرتبط صادر شده) توسط یک دادگاه صلاحیت‌دار صادر شده است و راجع به صلاحیت انحصاری دادگاه‌های کشور محل اجرا نیست، حکم مزبور را با تحقق بقیه شرایط اجرا خواهد کرد. بنابراین نمی‌توان گفت حکم صادره از دادگاه بی‌ارتباط با دعوای موضوع توافق صلاحیت، بی‌ارزش است.

فرض دوم این است که دعوای موضوع توافق صلاحیت در دادگاه کشوری که از آن سلب صلاحیت شده است، مطرح گردد. این فرض وقتی رخ می‌دهد که یکی از اطراف، توافق صلاحیت را نقض و دعوای خود را در دادگاهی که از آن سلب صلاحیت شده، مطرح کرده است و طرف مقابل به رسیدگی این دادگاه ایراد وارد نماید. در این صورت، آیا این دادگاه در مورد دعوای مزبور می‌تواند پذیرفتن سلب صلاحیت خود به نفع دادگاه خارجی را بر وجود شرط ارتباط اساسی بین دعوا و دادگاه منتخب منوط سازد؟

به نظر می‌رسد پاسخ منفی است؛ زیرا دادگاهی که از آن سلب صلاحیت شده است، باید از خود سؤال کند، چنانچه حکم در دعوای موضوع توافق صلاحیت از دادگاه منتخب و بی‌ارتباط صادر شود، آیا این حکم در کشورش قابل اجراست یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا حکم مزبور معتبر است؟ آیا یکی از شرایط اجرای احکام خارجی، ارتباط دعوا با دادگاه صادرکننده حکم است؟ شکی

نیست که در اکثر کشورهای دنیا یکی از شرایط اجرای احکام خارجی این است که دعوای موضوع حکم خارجی راجع به صلاحیت انحصاری دادگاه‌های کشور محل درخواست اجرای حکم نباشد.^۱ لذا چنانچه دعوای موضوع توافق صلاحیت راجع به صلاحیت انحصاری دادگاهی که از آن سلب صلاحیت شده است، نباشد، رأی صادره از دادگاه منتخب و بی‌ارتباط در کشور دادگاهی که از آن سلب صلاحیت شده، قابل اجراست. بنابراین رأی مزبور، معتبر است. افزون بر این، نمی‌توان گفت دادگاه غیرمرتبط با دعوای موضوع توافق صلاحیت، دادگاه فاقد صلاحیت است؛ چراکه دادگاه منتخب برای احراز صلاحیت خود به قواعد صلاحیت کشور خود مراجعه می‌نماید، لذا در موردی که این دادگاه تشخیص می‌دهد مطابق قانون خود شرط ارتباط برای رسیدگی به یک دعوای خصوصی بین‌المللی لازم نیست، نمی‌توان گفت این دادگاه فاقد صلاحیت است. با توجه به آنچه بیان شد، دو دلیلی که طرف‌داران لزوم شرط ارتباط به آنها استناد نموده‌اند، معتبر نیست و در نتیجه نمی‌توان صحت توافق صلاحیت را بر تحقق شرط ارتباط دعوای موضوع آن با دادگاه منتخب معلق نمود.

۲.۳.۲. نقد دیدگاه شرط مصلحت مشروع اطراف از انتخاب دادگاه

لزوم تحقق شرط مصلحت مشروع اطراف در توافق صلاحیت نیز مورد انتقاد طرف‌داران دیدگاه سوم قرار گرفته است. با این توضیح که طرف‌داران شرط مصلحت مشروع بیان می‌دارند که در دآوری وجود ارتباط میان دعوا و هیئت دآوری یا کشور مقر دآوری شرط نشده است. عدم لزوم شرط ارتباط در دآوری اقتضا می‌کند که این شرط نیز برای توافق صلاحیت رعایت نشود؛ در غیر این صورت، تناقض و تعارض به‌وجود می‌آید. این عده ادامه می‌دهند که چنانچه شرط ارتباط لازم نباشد، به جای آن اطراف باید از انتخاب دادگاه، مصلحتی مشروع داشته باشند.

دیدگاه فوق قابل نقد است؛ زیرا جز اطراف توافق صلاحیت، شخص دیگری قادر بر احراز دقیق مصلحت مشروع اطراف نیست. همچنین از آنجا که حقوق‌دانان، رویه قضایی کشورها و مقررات کنوانسیون‌های بین‌المللی، وجود مصلحت مشروع اطراف از توافق دآوری را لازم نمی‌دانند، ذکر شرط مصلحت مشروع اطراف از توافق صلاحیت به‌جای شرط ارتباط، تعارض و تناقض میان توافق دآوری و توافق صلاحیت را برطرف نمی‌کند، بلکه به تعارض دیگری

۱. برای مثال، ر ک: بند ۶ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ایران.

می‌انجامد.^۱ همچنین طرف‌داران شرط مصلحت مشروع اطراف از توافق صلاحیت بر این باورند که اگر شرط مصلحت مشروع اشخاص از توافق صلاحیت مدنظر قرار نگیرد، این امر باعث تقلب اطراف نسبت به صلاحیت یا نسبت به قانون می‌شود. این در حالی است که به دلیل لزوم رعایت شرایط ماهوی برای انعقاد قراردادها در انعقاد توافق صلاحیت، چنین نگرانی‌ای چندان موجه نیست.^۲ چنانچه روشن شود که هدف افراد از توافق صلاحیت، تقلب‌آمیز است، در این صورت شرط مشروع بودن جهت معامله به‌عنوان یکی از شروط صحت قراردادها محقق نمی‌شود و توافق صلاحیت باطل محسوب می‌شود و نیازی به لزوم شرط مصلحت مشروع اطراف از توافق صلاحیت نیست.^۳

بنابر آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد که لازم دانستن شرط ارتباط یا شرط مصلحت مشروع به‌عنوان شرط لازم برای صحت توافق صلاحیت، فاقد توجیه حقوقی است و دیدگاه سوم در قیاس با دو دیدگاه دیگر از منطق حقوقی قوی‌تری برخوردار است. پس از بیان و نقد دیدگاه‌های موجود، در ادامه، رویکرد برخی نظام‌های حقوقی در خصوص لزوم شرط ارتباط بیان می‌گردد تا زمینه برای مطالعه تطبیقی حقوق ایران با سایر نظام‌های حقوقی در این مسئله فراهم گردد.

۳. رویکرد نظام‌های حقوقی در مورد لزوم شرط ارتباط میان دعوا و دادگاه منتخب برای صحت توافق صلاحیت

مطالعه در نظام حقوقی کشورهای عربی نشان می‌دهد که در اغلب آنها شرط ارتباط لازم دانسته نشده است. در حقوق سوریه، طبق ماده ۹ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۲۰۱۶،^۴ در حقوق مصر مطابق ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی و تجاری مصوب ۱۹۶۸^۵ و در حقوق

۱. الروبی، محمد، پیشین، صص ۱۵۸-۱۵۷.

2. Tang, op.cit, p.57.

۳. برای مطالعه درباره شرط مشروعیت جهت معامله در توافق صلاحیت، ر ک: کابری، محمدمجد و اعظم انصاری، پیشین، صص ۲۵۱-۲۵۰.

۴. قانون أصول المحاکمات المدنیة رقم (۱) لعام ۲۰۱۶.

۵. قانون المرافعات المدنیة و التجاریة رقم (۱۳) لعام ۱۹۶۸.

تونس براساس ماده ۴ قانون حقوق بین‌الملل خصوصی مصوب ۱۹۹۸^۱، توافق اطراف برای اعطای صلاحیت به دادگاه‌های سوریه، مصر و تونس صراحتاً پذیرفته شده، اما لزوم تحقق ارتباط میان دعوا و دادگاه منتخب شرط نشده است.

در حقوق ترکیه، طبق بند یک ماده ۴۷ قانون آیین دادرسی و حقوق بین‌الملل خصوصی مصوب ۲۰۰۷^۲، توافق اطراف برای سلب صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ترکیه به نفع دادگاه کشور دیگری صراحتاً پذیرفته شده است؛ به شرط اینکه دعوی موضوع توافق صلاحیت وصف بین‌المللی داشته باشد و رسیدگی به آن در صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ترکیه نباشد. اما صحبتی از لزوم تحقق ارتباط میان دعوی و دادگاه منتخب کشور دیگری نشده است.

در حقوق ایتالیا نیز طبق بند یک و دو ماده ۴ قانون حقوق بین‌المللی خصوصی مصوب ۱۹۹۵^۳ توافق اطراف برای اعطای صلاحیت به دادگاه‌های ایتالیا و توافق اطراف برای سلب صلاحیت از دادگاه‌های ایتالیا به نفع دادگاه کشور دیگری صراحتاً پذیرفته شده است، اما لزوم تحقق ارتباط میان دعوی و دادگاه منتخب در هر دو فرض اعطا و سلب صلاحیت ذکر نشده است.

همچنین بررسی مقررات اتحادیه اروپا در زمینه موضوع این نوشتار قابل توجه است. اتحادیه اروپا در راستای ماده ۶۵ معاهده جامعه اروپایی، آیین‌نامه‌های متعددی درباره صلاحیت قضایی و شناسایی و اجرای احکام به تصویب رسانده است. این مقررات به‌طور مستقیم و بدون نیاز به تشریفات خاصی در کشورهای عضو اتحادیه لازم‌الاجرا می‌شوند.^۴ در این راستا، اتحادیه اروپا مقررات بروکسل یک ۴۴/۲۰۰۱^۵ را تصویب نمود. ماده ۲۳ مقررات مزبور به مسئله توافق بر صلاحیت می‌پردازد. ماده مزبور «هیچ‌گونه ارتباط موضوعی میان طرفین یا موضوع اختلاف با قلمرو دادگاه منتخب را لازم نمی‌داند».^۶ درهرحال، هرچند طبق ماده مذکور ارتباط میان دعوا و دادگاه کشور عضو منتخب برای صحت توافق صلاحیت شرط نشده، اما ارتباط میان دعوی

۱. مجله القانون الدولي الخاص لعام ۱۹۹۸.

۲. Act on Private International and Procedural Law (1) (Act No. 5718).

۳. Reform of the Italian System of Private International Law, 1995, No 218.

۴. شیروی، عبدالحسین، *حقوق تجارت بین‌الملل*، ویراست دوم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۳، ص ۲۶۹.

۵. Council Regulation (EC) No 44/2001 of 22 December 2000 on jurisdiction and the recognition and enforcement of judgments in civil and commercial matters

۶. مقصودی، رضا، *شروط صلاحیت قضایی در حقوق بین‌الملل خصوصی*، پژوهشنامه حقوقی، زمستان ۱۳۸۹، سال اول، شماره ۲، ص ۱۵۰.

موضوع توافق صلاحیت و اتحادیه اروپا شرط شده است. طبق مقررات مزبور، لاقلاً یکی از اطراف توافق صلاحیت باید در اتحادیه اروپا مقیم باشد. باین حال، امروزه با تصویب مقررات بروکسل یک جدید ۲۰۱۲/۱۲۱۵^۱ که جایگزین مقررات بروکسل یک ۲۰۰۱/۴۴ شده است، نه فقط ارتباط میان دعوا و دادگاه کشور عضو منتخب شرط نیست، بلکه حتی ارتباط میان اطراف یا دعوی موضوع توافق صلاحیت با اتحادیه اروپا ضرورتی ندارد.^۲ این تفاوت نشان می‌دهد که امروزه شرط ارتباط برای صحت توافق صلاحیت، اهمیت خود را از دست داده است و کشورها هر چه بیشتر به سمت احترام به حاکمیت اراده اشخاص پیش می‌روند.

در اینجا مناسب است به رویکرد اصول آیین دادرسی مدنی فراملی به عنوان یک سند قابل توجه در مورد لزوم شرط ارتباط میان دعوا و دادگاه منتخب برای صحت توافق صلاحیت اشاره گردد. بند یک اصل دوم این اصول مقرر می‌دارد: «(۱-۲) دادگاه نسبت به طرف دعوا ممکن است به یکی از شیوه‌های زیر صالح باشد: (۱-۱-۲) هنگامی که طرفین به طرح دعوا در آن دادگاه رضایت دهند. (۲-۱-۲) هنگامی که میان کشور مقرر دادگاه و طرف معامله یا علل دعوی نوعی ارتباط اساسی وجود دارد...»^۳.

روشن است که قسمت اول بند یک اصل دوم به اصل حاکمیت اراده اطراف دعوا توجه نموده است. بنابراین توافق اطراف و رضایت آنها به صلاحیت دادگاه، به‌خودی خود مبنایی برای صلاحیت دادگاه است. قسمت دوم بند یک اصل مزبور نیز به بررسی معیار ارتباط اساسی پرداخته و در صورتی که ارتباط اساسی میان کشور مقرر دادگاه و طرف معامله یا علل دعوی وجود داشته باشد، وجود ارتباط اساسی، به‌خودی خود به عنوان مبنایی برای صلاحیت دادگاه شناخته شده است. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت، در صورتی که توافق صلاحیتی متکی بر رضایت اطراف برای انتخاب دادگاه معینی وجود داشته باشد، این امر فی‌نفسه در ایجاد مبنایی برای صلاحیت دادگاه

1. Regulation (EU) No 1215/2012 of the European Parliament and of the Council of 12 December 2012 on jurisdiction and the recognition and enforcement of judgments in civil and commercial matters.

2. Ahmed, Mukarrum, "A Comparative Study of the Fundamental Juridical Nature, Classification and Private Law Enforcement of Jurisdiction and Choice of Law Agreements in the English Common Law of Conflict of Laws, the European Union Private International Law Regime and the Hague Convention on Choice of Court Agreements". PhD thesis, University of Aberdeen, 2015. p.62.

۳. ترجمه این اصل به نقل از: غمامی، مجید، و حسن محسنی، پیشین، ص ۵۰.

منتخب، کفایت می‌نماید و البته ارتباط اساسی به‌عنوان معیاری دیگر برای صلاحیت دادگاه پیش‌بینی شده است. در نتیجه، آنچه که در اصل دوم از اصول آیین دادرسی مدنی فراملی ذکر شده است، نیز دیدگاه عدم لزوم شرط ارتباط میان دادگاه منتخب و دعوا یا اطراف آن برای صحت توافق صلاحیت را تقویت می‌نماید.

۴. رویکرد کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ راجع به توافقی‌های انتخاب دادگاه در مورد لزوم شرط ارتباط

کنوانسیون لاهه راجع به توافقی‌های انتخاب دادگاه در ۳۰ ژوئن ۲۰۰۵ تصویب شد. کنوانسیون مزبور از یکم اکتبر ۲۰۱۵ لازم‌الاجرا شده است و در حال حاضر مکزیک، انگلستان، اتحادیه اروپا، مونته‌نگرو و سنگاپور از اعضای آن هستند.^۱

هدف از انعقاد این کنوانسیون، اثربخشی به توافقی‌های انتخاب دادگاه به نفع کشورهای عضو کنوانسیون است.^۲ طبق بند یک ماده یک این کنوانسیون، فقط در مواردی که توافق‌نامه انتخاب دادگاه در مسائل مدنی و بازرگانی، وصف بین‌المللی داشته و متضمن انتخاب دادگاه انحصاری یا اختصاصی باشد، اعمال می‌شود. بند دو ماده یک کنوانسیون در تعریف دعوی بین‌المللی در زمینه توافق انتخاب دادگاه مقرر داشته است: «... ۲. یک دعوا، بین‌المللی است، مگر اینکه طرفین ساکن یک کشور متعاهد باشند و رابطه طرفین و همه عناصر مربوط به دعوا، صرف‌نظر از محل دادگاه منتخب، فقط به همان کشور مربوط باشد...». از این تعریف می‌توان دریافت که چنانچه تمامی عناصر دعوا مربوط به یک دولت متعاهد نباشد، دعوی مزبور، بین‌المللی محسوب می‌شود.^۳

۱. برای بررسی وضعیت کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ به سایت کنفرانس لاهه به آدرس زیر ر ک:

<http://cutt.us/CNxzN>

2. Torremans, Paul; Uglješa Grušić; Christian Heinze; Louise Merrett; Alex Mills; Carmen Otero García-Castrillón; Zheng Sophia Tang; Katarina Trimmings; and Lara Walker, Cheshire, North and Fawcett: Private International Law, 15th ed, Oxford: Oxford University Press, 2017, p.190.

3. Brand, Ronald & Paul Herrup, *The 2005 Hague Convention on Choice of Court Agreements commentary and documents*, Cambridge: Cambridge University Press, 2008, p.16.

مطابق بند یک ماده ۵ کنوانسیون لاهه، دادگاه یا دادگاه‌های کشور عضو منتخب که توسط موافقت‌نامه انتخاب دادگاه تعیین شده‌اند، صلاحیت برای رسیدگی به دعوای موضوع توافق خواهند داشت، مگر اینکه طبق قانون دادگاه کشور عضو منتخب، موافقت‌نامه مزبور باطل باشد. همچنین طبق بند دو ماده مذکور، دادگاه منتخب طبق بند یک نمی‌تواند به علت اینکه دعوای موضوع توافق باید در دادگاه کشور دیگری رسیدگی شود، اعلام عدم صلاحیت کند. برای روشن شدن این مطلب لازم است که به دو دکتین که در نظام‌های حقوقی دنیا وجود دارند و اعمال آنها باعث منع دادگاه از رسیدگی به دعوا می‌شود، اشاره نمود: دکتین دادگاه نامناسب^۱ که در حقوق کشورهای کامن‌لا اعمال می‌شود و دکتین ایراد امر مطروحه^۲ که در حقوق کشورهای رومی ژرمنی اعمال می‌شود.^۳ نتیجه اعمال این دو دکتین این است که دادگاه منتخب ممکن است به دعوا رسیدگی نکند؛ از این رو هدف از وضع بند دو ماده ۵ کنوانسیون لاهه این است که دادگاه منتخب را از اعمال این دو دکتین برای توقف رسیدگی یا خودداری از رسیدگی به دعوی منع کند.^۴

بنابراین، طبق ماده ۵ کنوانسیون لاهه، دادگاه کشور عضو منتخب به هیچ دلیلی نمی‌تواند از رسیدگی به دعوای موضوع توافق صلاحیت خودداری کند، مگر اینکه موافقت‌نامه صلاحیت باطل باشد. از این رو، در کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ به لزوم وجود رابطه بین دعوا و کشور دادگاه منتخب اشاره‌ای نشده است^۵ و طرفین دعوی می‌توانند برای رسیدگی به دعوای خود دادگاهی انتخاب کنند که هیچ رابطه‌ای با عناصر دعوا (محل اقامت یا تابعیت طرفین و محل انعقاد و اجرای قرارداد و غیره) ندارد.

1. The Doctrine of Forum Non Conveniens.

2. The Doctrine of Lis Pendens.

3. Brand, op.cit, p.82.

4. Hartley, Trevor & Masato Doguchi, *Explanatory Report on the 2005 Hague Choice of Court Convention*, Hague: The Permanent Bureau of the Conference, 2007, para.133.

۵. شایگان، اسماعیل، *شرط صلاحیت قضایی در حقوق بین‌المللی خصوصی*، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۷، ص ۵۱؛

Tang, op.cit, p.57.

با این حال، ماده ۱۹ کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ نکته قابل توجهی بیان نموده است. ماده ۱۹ تحت عنوان اعلامیه‌های تحدید صلاحیت مقرر می‌دارد: «چنانچه به جز مقر دادگاه منتخب ارتباطی میان کشور دادگاه منتخب و اطراف یا دعوا نباشد، کشور مزبور می‌تواند اعلام کند که دادگاه‌های او ممکن است از رسیدگی به دعوای موضوع توافق انحصاری انتخاب دادگاه خودداری کنند».

در شرح این ماده بیان شده است: «در دعوای داخلی ماده ۱۹ کنوانسیون لاهه به کشور عضو اجازه می‌دهد که چنانچه به جز محل دادگاه منتخب ارتباطی میان دعوا یا اطراف آن با کشور مزبور نباشد، اعلام کند که دادگاه‌های او به دعوا رسیدگی نخواهند کرد».^۱

دیدگاه فوق صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا همان طور که قبلاً گفته شد، کنوانسیون لاهه فقط در دعوای مدنی و تجاری بین‌المللی اعمال می‌شود، لذا بعید به نظر می‌رسد که هدف کنوانسیون از درج ماده ۱۹ این باشد که در دعوای داخلی کشورهای عضو کنوانسیون می‌توانند اعلام کنند که دادگاه‌های آنها به دعوای موضوع توافق انتخاب دادگاه رسیدگی نخواهند کرد. ممکن است یک دعوا طبق معیار پیش‌بینی شده در بند دو ماده یک کنوانسیون لاهه، وصف بین‌المللی داشته باشد، اما به طور کامل با کشور دادگاه منتخب ارتباط نداشته باشد.^۲ بنابراین به نظر می‌رسد که منظور ماده ۱۹ این است که در دعوای بین‌المللی که ارتباط با کشور دادگاه منتخب ندارند، کشور عضو می‌تواند اعلام کند که دادگاه‌های او حاضر به رسیدگی به دعوای موضوع توافق صلاحیت نیستند، اما هرگز قصد ماده ۱۹ دعوای داخلی نیست؛ زیرا توافق صلاحیت راجع به دعوای داخلی مشمول قواعد کنوانسیون نیست.

در گزارش تفسیری کنوانسیون آمده است که کنوانسیون در ماده ۱۹ سیاست متضادی را دنبال کرده است. ماده مزبور به کشور عضو اجازه می‌دهد که اعلام کند دادگاه‌های او می‌توانند ماده ۵ را در مورد دعوای که ارتباطی با کشور دادگاه منتخب ندارند، اعمال نکنند.^۳ البته در توجیه وضع ماده ۱۹ بیان شده که گاهی اطراف توافق ممکن است دادگاه کشوری را انتخاب کنند که

1. Ahmed, Mukarrum & Paul Beaumont, "Exclusive choice of court agreements: some issues on the Hague Convention on Choice of Court Agreements and its relationship with the Brussels I Recast especially anti-suit injunctions, concurrent proceedings and the implications of BREXIT", *Centre for private international law Aberdeen working paper series*, working paper No.5, vol.2, 2016, p.8.

2. Brand, op.cit, p.147.

3. Hartley, op.cit, para.229.

نه خود اطراف و نه موضوع دعوا ربطی به دادگاه آن کشور ندارند؛ به این دلیل که هیچ‌کدام از آنها نمی‌خواهند دعوا در دادگاه طرف مقابل رسیدگی شود. بنابراین، توافق می‌کنند که دادگاه کشور بی‌طرفی^۱ را برای رسیدگی انتخاب کنند. برخی کشورها این امر را تشویق می‌کنند و برخی دیگر احساس می‌کنند که این امر بار سنگینی بر سیستم قضایی آنها تحمیل می‌کند. هدف از این ماده، توجه به نگرانی کشورهای گروه دوم است.^۲

توضیحات فوق نشان داد که مطابق کنوانسیون لاهه، شرط ارتباط برای رسیدگی دادگاه منتخب به دعوی موضوع توافق انتخاب دادگاه لازم نیست، مگر اینکه مطابق ماده ۱۹، خلاف آن اعلام شده باشد. نکته شایان توجه اینکه کلمه «ارتباط» که در ماده ۱۹ آمده، اصطلاح مبهمی است که مفهوم آن توسط دادگاه منتخب تعیین خواهد شد.^۳ افزون بر این، متن انگلیسی این ماده اصطلاح ارتباط^۴ را به کار برده و از اصطلاح ارتباط اساسی^۵ استفاده ننموده است. بدیهی است که اصطلاح اولی دال بر این است که هر ارتباطی که دادگاه تشخیص دهد، کفایت می‌نماید. مع هذا برخی حقوق‌دانان بر این باورند که صرف اجازه به کشورهای عضو برای تعلیق رسیدگی به دعوی موضوع توافق به دلیل عدم ارتباط، به هدف کلی این کنوانسیون آسیب رسانده است.^۶

۵. رویکرد حقوق ایران در مورد لزوم شرط ارتباط میان دعوا و دادگاه منتخب

همان‌طور که قبلاً گفته شد، در حقوق ایران به جز ماده ۹۷۱ قانون مدنی، مقرراتی در زمینه صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها مشاهده نمی‌شود و موضوع توافق بر صلاحیت دادگاه مورد توجه قانون‌گذار قرار نگرفته است. بنابراین بدیهی است که پاسخ روشنی در مورد لزوم یا عدم لزوم شرط ارتباط در توافق صلاحیت یافت نشود. به هر حال، به نظر می‌رسد که در حقوق ایران دلیلی

1. The Court of a Neutral State.

2. Hartley, op.cit, para, 230.

3. Brand, op.cit, pp.147-148.

4. Connection

5. Substantial Connection.

۶. الروبی، محمد، پیشین، ص ۱۶۱.

بر لزوم تحقق شرط ارتباط برای صحت توافق صلاحیت وجود ندارد و اطراف می‌توانند صلاحیت دادگاه ایران را به نفع دادگاه کشور دیگری سلب نمایند، بدون اینکه ارتباطی میان دعوا و کشور دادگاه منتخب وجود داشته باشد. در نتیجه، چنانچه رأی از دادگاه منتخب و غیرمرتبط صادر گردد، اطراف می‌توانند شناسایی و اجرای رأی مزبور را در ایران درخواست نمایند. دلیل بر این ادعا این است که ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ مقرر می‌دارد: «احکام مدنی صادره از دادگاه‌های خارجی در صورتی که واجد شرایط زیر باشد، در ایران قابل اجراء است مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد... ۶- رسیدگی به موضوع دعوی مطابق قوانین ایران اختصاص به دادگاه‌های ایران نداشته باشد». روشن است که طبق بند شش ماده مزبور، چنانچه دعوای موضوع حکم خارجی راجع به صلاحیت اختصاصی یا انحصاری دادگاه‌های ایران نباشد، رأی صادره از دادگاه خارجی در ایران قابل اجراء است.^۱ بنابراین می‌توان گفت، درحالی که بند مزبور تأکید نموده است دعوای موضوع حکم خارجی نباید راجع به صلاحیت اختصاصی یا انحصاری دادگاه‌های ایران باشد، این بند تأکید نموده است که دادگاه کشور خارجی باید مرتبط با دعوا باشد، بلکه صرف اینکه دعوای موضوع رأی خارجی راجع به صلاحیت انحصاری دادگاه‌های ایران نباشد، رأی مزبور در ایران قابل اجراء است. بنابراین اطراف می‌توانند توافق کنند و صلاحیت دادگاه‌های ایران را به نفع دادگاه کشور دیگری و غیرمرتبط با دعوای موضوع توافق صلاحیت سلب نمایند و رأی صادره از دادگاه منتخب و غیرمرتبط در ایران معتبر و قابل اجراء است. شاید با این بیان، این نکته مطرح شود که دادگاه غیرمرتبط، دادگاه صلاحیت‌دار محسوب نمی‌شود. این نقد قابل قبول نیست؛ زیرا طبق ماده ۹۷۱ قانون مدنی ایران «دعوای از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجعه به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آنجا اقامه می‌شود...»؛ لذا برای اینکه تعیین شود دادگاه صادرکننده حکم صلاحیت دارد یا خیر، باید به قانون کشور مقرر دادگاه صادرکننده حکم رجوع نمود و مادام که دادگاه بی‌ارتباط با دعوای موضوع توافق صلاحیت، خود را طبق مقررات کشورش صالح بداند، نمی‌توان به صلاحیت آن ایراد نمود. برای مثال، در اتحادیه اروپا مطابق ماده ۲۵ مقررات بروکسل یک جدید ۲۰۱۲/۱۲۱۵، گرچه

۱. خدابخشی، عبدالله، اعظم انصاری و محمدمجد کابری، شرایط اجرای احکام خارجی در حقوق ایران و مصر، مجله حقوق خصوصی، پاییز و زمستان ۹۷، دوره ۱۵، شماره ۲، ص ۳۶۸.

ممکن است دادگاه‌های کشورهای عضو اتحادیه اروپا بی‌ارتباط با دعوای موضوع توافق صلاحیت باشند، با این حال برای رسیدگی به دعوای موضوع توافق صلاحیت صالح‌اند. همچنین در حقوق سوریه ماده ۹ قانون آیین دادرسی مدنی سوریه مصوب ۲۰۱۶ مقرر می‌نماید که چنانچه دادگاه‌های سوریه فاقد صلاحیت باشند، اطراف می‌توانند توافق کنند و صلاحیت رسیدگی به دعوا را به دادگاه‌های سوریه اعطا کنند. طبق ماده مزبور، شرط ارتباط به عنوان شرط لازم برای صحت توافق صلاحیت ضروری نیست. بنابراین در دو مثال فوق دادگاه‌های منتخب و غیرمرتبط با دعوای موضوع توافق صلاحیت، طبق قانون کشور خود صالح‌اند و نمی‌توان به صلاحیت آنها ایراد نمود.

با این توضیحات، می‌توان گفت در حقوق ایران توافق اطراف برای سلب صلاحیت غیرانحصاری دادگاه‌های ایران به نفع دادگاه کشور خارجی و غیرمرتبط با دعوای موضوع توافق صلاحیت قابل قبول است و رأی صادره از شعبه ۱۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران در دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۷۲۰۰۷۶۵ مورخ ۱۳۹۴/۹/۲ صحیح و مطابق موازین قانونی صادر گشته است؛ زیرا دادگاه در این دعوا در هنگام بررسی امکان سلب صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران به نفع دادگاه کشور خارجی به این مسئله توجه نمود که دعوای موضوع توافق صلاحیت یک دعوای بین‌المللی است و صلاحیت دادگاه‌های ایران برای رسیدگی به آن انحصاری نیست و دادگاه مزبور به‌درستی به مسئله وجود ارتباط میان دعوا و دادگاه خارجی منتخب توجه ننمود.

باید افزود، در برخی موافقت‌نامه‌هایی که ایران با کشورهای دیگر در زمینه همکاری و معاضدت قضایی منعقد نموده، حاکمیت اراده اشخاص به عنوان معیار یا ضابط مستقلی برای تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها به رسمیت شناخته شده و به شرط ارتباط میان دعوا و دادگاه منتخب اشاره نشده است. برای مثال، ماده ۳۳ «موافقت‌نامه همکاری قضایی در زمینه‌های حقوقی، بازرگانی، کیفری، احوال شخصیه، استرداد مجرمان و انتقال محکومان به زندان و تصفیه ترکه‌ها بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه مصوب ۱۳۸۱/۴/۱۵» ضوابطی برای تعیین موارد صلاحیت دادگاه‌های دو کشور عضو معاهده مقرر نموده و در کنار صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده، صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول و صلاحیت دادگاه محل

انعقاد و اجرای قرارداد، حاکمیت اراده اشخاص را در زمینه تعیین دادگاه صالح به عنوان یک معیار مستقل به رسمیت شناخته است. مثال دیگری از این موارد، ماده ۲۳ موافقت‌نامه معاضدت قضایی در زمینه امور حقوقی و تجاری بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تونس مصوب ۱۳۸۷/۴/۵ است. گرچه معاهداتی که یک کشور با کشورهای دیگر منعقد می‌کند، حاوی احکام خاصی بوده که فقط میان کشورهای طرف معاهده لازم‌الاجراست، اما به نظر می‌رسد که انعقاد چنین موافقت‌نامه‌هایی توسط ایران و عدم لزوم تحقق شرط ارتباط برای اعتبار توافق صلاحیت نشانگر رویکرد کلی قانون‌گذار ایران مبنی بر احترام هر چه بیشتر به حاکمیت اراده اشخاص در تعیین دادگاه صالح است.

نتیجه گیری

حاکمیت اراده اشخاص در تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها به عنوان یک ضابطه مستقل در حقوق کشورهای دنیا به رسمیت شناخته شده است و نیاز به تأیید آن توسط عناصری دیگر مانند اقامتگاه یا محل وقوع اموال و غیره نیست. امروزه با توجه به رعایت اصل حاکمیت اراده، اراده اشخاص به خودی خود معیاری برای تعیین صلاحیت دادگاه‌هاست، بنابراین شرط ارتباط از عناصر لازم برای اعتبار توافق صلاحیت نیست. این رویکرد نه تنها در قوانین ملی کشورهای متعدد از خانواده‌های حقوقی متفاوت وجود دارد، بلکه در مقررات بین‌المللی مرتبط نیز مشاهده می‌شود. از آنجا که تدوین‌کنندگان این‌گونه مقررات در وضع آنها از مطالعات تطبیقی استفاده کرده، ضوابطی را وضع می‌نمایند که بیانگر رویکرد اکثریت نظام‌های حقوقی دنیاست، می‌توان گفت عدم لزوم شرط ارتباط برای صحت توافق صلاحیت در این مقررات، حاکی از عدم لزوم چنین شرطی در اغلب نظام‌های حقوقی دنیاست. گرچه نظام حقوقی ایران به موضوع توافق صلاحیت توجهی نداشته، اما با توجه به آرای صادره در این موضوع و توجه به بند ۶ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی ایران و عدم لزوم شرط ارتباط برای شناسایی و اجرای رأی صادره از دادگاه‌های خارجی می‌توان گفت نظام حقوقی ایران نیز شرط ارتباط برای صحت توافق صلاحیت را لازم نمی‌داند. با این حال، به قانون‌گذار ایران پیشنهاد می‌شود که مسئله توافق بر صلاحیت را به طور مفصل مورد توجه قرار دهد و شرایط لازم برای صحت چنین توافقی را روشن سازد تا از بروز آرای متعارض در این زمینه جلوگیری نماید.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. پیری، فرهاد، *حقوق تجارت بین‌المللی در رویه قضایی ایران*، تهران: انتشارات جاودانه، جنگل، ۱۳۹۵.
۲. سلجوقی، محمود، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، جلد ۲، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۶.
۳. شاه حیدری پور، محمد علی، *آیین دادرسی مدنی - صلاحیت دادگاه‌ها - مطالعه حقوق ایران و تطبیق با حقوق انگلستان*، تهران: انتشارات آداک، ۱۳۹۱.
۴. شایگان، اسماعیل، *شرط صلاحیت قضایی در حقوق بین‌المللی خصوصی*، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۷.
۵. شمس، عبدالله، *آیین دادرسی مدنی - دوره بنیادین*، جلد ۱، تهران: انتشارات دراک، ۱۳۹۶.
۶. شیخ الاسلامی، سید محسن، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۴.
۷. شیروی، عبدالحسین، *حقوق تجارت بین‌الملل*، ویراست دوم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۳.
۸. غمامی، مجید، و حسن محسنی، *اصول آیین دادرسی مدنی فراملی*، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶.

مقاله

۹. خدابخشی، عبدالله، اعظم انصاری و محمدمجد کابری، *شرایط اجرای احکام خارجی در حقوق ایران و مصر، مجله حقوق خصوصی*، پاییز و زمستان ۹۷، دوره ۱۵، شماره ۲.
۱۰. کابری، محمدمجد و اعظم انصاری، *شرایط اساسی توافق صلاحیت در حقوق بین‌الملل خصوصی*، مطالعات حقوقی، تابستان ۱۳۹۸، دوره ۱۱، شماره ۲.

۱۱. مافی، همایون، رشید ادبی فیروزجایی، **صلاحیت دادگاه‌های ایران در قلمرو حقوق بین‌الملل خصوصی**، دانش حقوق مدنی، پاییز و زمستان ۹۳، سال سوم، شماره ۲.
۱۲. مقصودی، رضا، **توافق بر دادگاه صالح در قراردادهای بین‌المللی: توجیه و نقد رویه قضایی**، فصلنامه رأی: مطالعات آرای قضایی، تابستان ۹۴، شماره ۱۱.
۱۳. مقصودی، رضا، **شروط صلاحیت قضایی در حقوق بین‌الملل خصوصی**، پژوهشنامه حقوقی، زمستان ۱۳۸۹، سال اول، شماره ۲.

ب) منابع عربی

۱۴. حداد، حفیظه، **النظریه العامه فی القانون القضائی الخاص الدولی**، بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیه، ۲۰۱۰.
۱۵. الروبی، محمد، **دور الاراده فی تحدید الاختصاص القضائی الدولی**، القاہرہ: منشورات دار النهضه العربیہ، ۲۰۰۸.
۱۶. سلامه، احمد عبدالکریم، **فقه المرافعات المدنیة الدولیة**، القاہرہ: منشورات دار النهضه العربیہ، ۲۰۰۰.
۱۷. صادق، هشام، **مدی حق القضاء المصری فی التخلی عن اختصاصه فی المنازعات المدنیة و التجاریة**، ۲۰۱۴. قابل دسترسی در: <http://cutt.us/uYLIIm>
- تاریخ آخرین بازدید: ۱۸ اردیبهشت ۹۸.
۱۸. عبدالعال، عکاشه، **الاجراءات المدنیة و التجاریة الدولیة فی دولة الامارات العربیة المتحدة**، بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیه، ۲۰۰۰.
۱۹. محمد خلیل، خالد عبدالفتاح، **تعاضم دور الاراده فی القانون الدولی الخاص**، القاہرہ: منشورات دار النهضه العربیہ، ۲۰۱۴.
۲۰. منزلاوی، صالح جاد، **الاختصاص القضائی بالمنازعات الخاصه الدولیة و الاعتراف و التنفيذ الدولی للاحكام الاجنبیة**، القاہرہ: منشورات دارالجامعه الجدید، ۲۰۰۸.

ج) منابع انگلیسی

Books

21. Tang, Z. *Jurisdiction and Arbitration Agreements in International Commercial Law*, first edition. New York: Routledge, 2014.
22. Torremans, Paul; Uglješa Grušić; Christian Heinze; Louise Merrett; Alex Mills; Carmen Otero García-Castrillón; Zheng Sophia Tang; Katarina Trimmings; and Lara Walker, Cheshire, North and Fawcett: Private International Law, 15th ed, Oxford: Oxford University Press, 2017.
23. Brand, Ronald, Paul, Herrup, *The 2005 Hague Convention on Choice of Court Agreements commentary and documents*, Cambridge: Cambridge University Press, 2008.
24. Hartley, Trevor, Masato Dogauchi, *Explanatory Report on the 2005 Hague Choice of Court Convention*, Hague: The Permanent Bureau of the Conference, 2007.

Articles

25. Ahmed, Mukarrum, Paul Beaumont, "Exclusive choice of court agreements: some issues on the Hague Convention on Choice of Court Agreements and its relationship with the Brussels I Recast especially anti-suit injunctions, concurrent proceedings and the implications of BREXIT", *centre for private international Aberdeen working paper series, working paper No.5, vol.2*. 2016.

Thesis Ph.D

26. Ahmed, Mukarrum, "A Comparative Study of the Fundamental Juridical Nature, Classification and Private Law Enforcement of Jurisdiction and Choice of Law Agreements in the English Common Law of Conflict of Laws, the European Union Private International Law Regime and the Hague Convention on Choice of Court Agreements". Ph.D thesis, University of Aberdeen, 2015.

